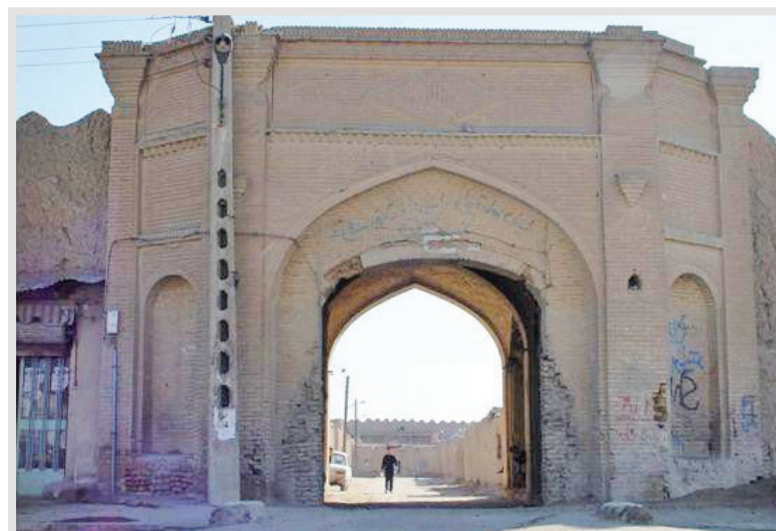




تنها قلعه روستایی زنده در ایران

روایتی از قلعه‌ای تاریخی که تنها ساکنانش حیوانات هستند

راهنمای سریع

قلعه دهشاد شهریار

موقعیت جغرافیایی: استان تهران، شهرستان شهریار، روستای دهشاد بالا

فاصله از تهران: حدود ۴۵ کیلومتر (کمتر از یک ساعت با ماشین از غرب تهران)

زمان مناسب برای دیدن: بهار، به‌خاطر طراوت روستا و پاییز به‌خاطر رنگ‌ها و هوای ملایم

ویژگی جالب: معماری قاجاری بنا، ۴ برج دیده‌بانی، سقف دوزنقه‌ای و زندگی جاری در دل آن

نکته مهم: ورود به قلعه رایگان است

اقامت: در خود قلعه اقامتگاهی نیست. پیشنهاد می‌شود اقامت در شهریار یا شهر قدس برنامه‌ریزی شود.

پیشنهاد عکاسی: نمای برج‌ها از زاویه پایین، طاق‌نماها در ساعت طلایی عصر

ساعت طلایی: ۸ صبح یا ۵ عصر

دسترسی: از جاده شهریار به سمت روستای دهشاد بالا. مسیر آسفالت‌ه تا ورودی قلعه در دسترس است.

شد. ۴ برج دیده‌بانی در ۴ گوشه آن قرار دارد؛ برج‌هایی که روزگاری دیده‌بانان از درون آن دشت‌های اطراف را زیر نظر داشتند تا خطر را پیش از وقوع شناسایی کنند. سقف بنا به‌صورت دوزنقه‌ای ساخته شده با طاق‌نماهایی زیبا که در دوسوی آن دیده می‌شود، گویی معماران قاجاری علاوه بر استحکام به زیبایی بنا هم اندیشیده‌اند. مصالح اصلی ساخت، آجرهای ساده‌ای است که با گذر زمان، رنگی گرم و خاکی به‌خود گرفته‌اند، تو گویی تاریخ را با خود حمل می‌کنند.

در قلعه، دیگر چراغی روشن نیست، مسجد متروک است، درها زنگ زده‌اند و سکوت تنها حکمران این قلمرو فراموش شده است. برج‌های دیده‌بانی که روزی نگهبان جان و مال ساکنان بودند، حالا تنها سایه‌هایی از خاک و خاطره‌اند. از خیابان صدمتری درون قلعه که روزی محل رفت‌وآمد کودکان و پیرمردان بود، اکنون تنها رد سم گوسفندها باقی مانده. آنجا که می‌توانست به دهکده‌ای گردشگری یا پاتوق هنرمندان و پژوهشگران تبدیل شود حالا فقط یک طویله است.

شاید اگر اورول زنده بود و این صحنه را می‌دید فصل جدیدی به کتابش اضافه می‌کرد؛ جایی که انسان‌ها نه با هم می‌جنگند، نه شورش می‌کنند، بلکه یکی یکی عقب‌نشینی می‌کنند تا آنجا که حیوانات تنها وارثان یک تمدن خاموش می‌شوند.

جورج اورول وقتی کتاب «قلعه حیوانات» را می‌نوشت شاید هرگز فکرش را نمی‌کرد که روزی قلعه‌ای در ایران، در شهریار تهران، به همان سرنوشت داستان کتابش دچار شود؛ جایی که تنها ساکنانش دیگر نه انسان‌ها بلکه گوسفندها، قاطرها و سگ‌هایی هستند که بی‌هیچ مفهومی از تاریخ، در سایه برج‌های فروریخته می‌چرند.

در میان دشت‌های جنوب غرب تهران قلعه‌ای متروکه آرام ایستاده؛ جایی که تا همین چند وقت پیش زندگی در آن جاری و به تنها قلعه روستایی زنده در ایران معروف بود با صدای کودکان، بوی غذا و دوچرخه‌سواری که از کنار برج‌ها رد می‌شدند. قلعه دهشاد حالا دیگر حتی پچ‌پچ شبانه کارگران تبعه دیگر کشورها را هم ندارد. آنهایی که روزگاری در اتاق‌های خاک‌گرفته‌اش زندگی می‌کردند و دیوارهای فروریخته را با دست خود کاه‌گل می‌کردند حالا رفته‌اند، شاید از بی‌برقی، شاید از بی‌سندی یا خسته از وعده‌هایی که هرگز عملی نشد. قلعه دهشاد را باید یکی از متفاوت‌ترین بناهای تاریخی ایران دانست؛ تنها قلعه روستایی کشور که تا همین چند وقت پیش هنوز هم خانواده‌ها در آن سکونت داشتند. قدمت آن به اوایل دوره قاجار بازمی‌گردد و ابتدا به مشیرالسلطنه تعلق داشت و سپس به حاج حبیب‌الله مفید واگذار شد. پس از انقلاب اسلامی این قلعه مانند بسیاری دیگر از املاک تاریخی تحت مالکیت بنیاد مستضعفان قرار گرفت و بعد از مدتی بدون کاربری خاص به حال خود رها